

Science and mysticism in the words of Shah Hamedan

*Rosina Anjam Naqvi

**Maria Umer

***Ayesha Saddiqa

Abstract:

The persian language and literature is the most active language and literature in the world , especially the most brilliant mystical literature . which have expressed more authoritative , meaningful and human ideas in persian literature . Among them Mir Ali Hamdani as Amir kabir and who is known by the title of Shah Hamdan a distinguished personalty . He migrated from Hamdan to Kashmir and due to his mystical insight made this region small Iran subcontinent .His prose and systematic works are of great importance .In this article , His teaching of Islam , Shari,ah rules ,levels of faith , sincerity , moral and relious principles have been stated and also highlighted the praise of Allah Almighty , The Prophet of Islam and the leaders of religion .

Keywords: Shah Hamdan, Almighty Allah, Holy Quran, mysticism, morality, poetry.

علم و عرفان در کلام شاه ہمدان

*روزینه انجم نقوی

** ماریہ عمر

***عائشہ صدیقہ

چکیده:

زبان و ادبیات فارسی یکی از فعال ترین نوع زبانی و ادبی جهان بوده است. بلخصوص آثار ادبی عرفانی درخشان ترین و جاودانه ترین قسمت ماست. همین طوری کہ میرسید علی ہمدانی، ملقب بہ امیر کبیر و معروف بہ شاه ہمدان مبلغ اسلام و مصلح اجتماعی از ہمدان بہ منطقہ کشمیر در شبہ قارہ پاک و ہند مسافرت نمود. بہ وسیلہء اندیشہ اسلامی، و مروج بینش عرفانی خودش این منطقہ را ایران صغیر ساخت. آثار منظوم و منثور شاه ہمدان بسیار ارزشمندی است. در این مقالہ بر معارف اسلامی، احکام شرعی، مراتب ایمان و اخلاص، دستورهای اخلاقی و مذہبی را بیان نموده است و مدح و ستایش خدای متعال و پیامبر اکرم (ص) و پیشوایان دین را ہم.

کلید واژه ها: شاه ہمدان، خدای متعال، قرآن پاک، عرفان، اخلاق، شعر.

*استاد یار، گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اسلامیہ بہاول پور r.anjum@outlook.com

**مربی بخش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ایل سی بانوان لاہور- پاکستان mariaumer23@gmail.com

*** دانشیار، دانشگاه ایل سی بانوان لاہور- پاکستان aisha_sadiqa786@yahoo.com

مقدمه:

فارسی زبان انقلاب است، زبان و ادبیات فارسی یکی از فعال ترین نوع زبان و ادبی جهان آورده است. بالخصوص ادب عرفانی از لحاظ مقدار بسیار وسیع و از لحاظ معانی و مطالب خیلی وقیع است.

بیشتر شعرای فارسی در آثار نثر و نظم افکار علم و عرفان را بیان نموده اند. بدین سبب افکار عالی ایشان ادب فارسی را زیادمعتبر، با معنی و انسانیت آموز ساخته است. به طور نمونه اسم های ابو سعید ابو الخیر، عبد الله انصاری، سنایی، فرید الدین عطار، جلال الدین رومی، سعدی شیرازی، حافظ شیرازی و جامی و غیر را می توان برد. این همه شاعران شعر های عرفانی سرودند. و در نثر فارسی هزاران کتاب در این زمینه نوشته شده اند.

بر انسان آرزوی شدید دا رد که از دیدار به حق تعالی مشرف گردید یعنی روح انسانی به اصل خویش و صل می خواهد و ارکان شعائر، مناسک رسوم، قواعد و احکام شرع برای این که به حق تعالی می توان رابطه گیرد. این اندیشه تابناک، یک مکتب علمی و فکر را به وجود آورد، آن را عرفان نامیده اند و راه و رسم طریقت را تصوف نام نهاده اند.

در نظر دکتر ضیاء الدین سجادی؛

“یکی طریقه و راه است و دیگری تفکر و خود شناسی و حق را شناختن و به حقیقت رسیدن، یکی راه و رسم مریدی و مرادی دارد و تعلیم و تعلم و صورت و قال و احوال، و دیگری دریافت و ادراک دارد و اشراق و وصول به معنی و کمال.... عارف می اندیشد و به سوی کمال می رود و دیگران را رببری می کند. در عرفان اسلامی علم و دین و تقوی و اشراق و عشق به خدا و کمال مطلق یکجا جلوه می کند و شور و مستی و کشش و کوشش می آورد.” (۱)

تصوف و عرفان، این دو کلمہ اگرچہ مترادف می آیند و لی از لحاظ معنی و اصطلاح تفاوت دارند، چنانکہ آقای سجادی می گویندکہ؛

”تصوّف روش و طریقہ ی زاهدانہ ای است بر ای اساس معانی شرع و تزکیہ نفس و اعراض از دنیا، برای وصول بہ حق و سیر بہ طرف کمال، اما عرفان یک مکتب فکری و فلسفی متعالی و ژرف برای شناختن حق و شناختن حقایق امور و مشکلات و رموز علوم است.“ (۲)

لذا روش عارف از صوفی جدا است بلکہ عارف از صوفی مقام ارفع دارد۔ فکر و نظر او از صوفی علو تر می باشد، برای این کہ ہر عارف صوفی است ولی ہر صوفی ہر مقام عارف نمی توان برسد چنان کہ صوفی ہر ظواہر نگاہ دارد، مانند لباس صوف و خرّقہ و لی دل عارف روشن بین و صافی درون و عالم روشن روان می باشد، بلکہ ہر چہ عالم و حکیم و فیلسوف می داند، او آن را می بیند۔ برای این گفتمہ می شود کہ ہر عارف صوفی است ولی ہر صوفی عارفی نیست۔

نخستین بار اصطلاح عارف در قرن سوم ہجری در ابیات فارسی بکار برده و در نظر فرید الدین عطار ”عارف معروف را بیند و عالم با عالم نشیند، عالم گوید: من چہ کنم، عارف گوید او چہ کند.“ (۳)

پس عرفان چیزی بلندی ہست۔ میر سید علی ہمدانی عارف و عالم برجستہ ایران قرن ہشتم یکی از نوابع روزگار و مبلغان اسلام بود، بیشتر عمر خودش را در مسافرت بسر کرد و بہ ممالک مکہ و مدینہ، ہندو پاکستان، مصر، آسیای صغیر، آسیای میانہ و کشور های عالم را از صحبت عارفان و عالمان معاصر خود فیض بردہ بود۔ او بہ فعالیت های گوناگون دینی و فرہنگی پرداختہ بود بالخصوص دین اسلام و زبان ادبیات فارسی را در میان مردم کشمیر گسترش دادو با تبحر علمی خود کشمیر را ایران صغیر ساخت۔

میر سید علی ہمدانی کتاب و رسالہ های بسیار ارزشمند بر موضوعات گوناگون علم و حدیث، اخلاق، فلسفہ و حکمت، عرفان و ادبیات بہ جا مانده است۔ تا معارف قرآن و حدیث را بہ مردم معرفی کند۔ بر ہمین خدمات علمی فضلا و دانشمندان او را ”سلطان العارفین“ و مردم کشمیر وی را بانی اسلام ”علی ثانی“ و ارادتمندان و مریدانش آن جناب را ”شاه ہمدان“ لقب داده اند۔

سید علی همدانی بر طریق تصوف و درویشی گامزن بود. برای درویشی ریاضت و تزکیه نفس لازم است. در این طریق مرحله اول معرفت خداوندی است، بالخصوص همهی صاحبان علم راجع به خدا شناسی نقطه های معنی آفرین و فکر انگیز بیان نموده اند. شاه همدان بر این موضوع بزرگ در همه آثار نظم و نثر پر مغز حقایق عرفانی را ابراز نموده است که خدای بزرگ و برتر سایر کاینات را از اراده خودش صورت گرفته است می گوید "پس ارادت حق با این حال منظم گشت و متعلق اعیان شد کاف به نون پیوست تا به امر کن آن چیز فیکون شد". (۴) ه

میر سید علی همدانی در رساله وجودیه به سوریی اخلاص رانهایت خوب تفسیر بیان نموده است و "در حقیقت نور و تفصیل انوار" به این حقیقت می رسد که همه جای نور خدای متعال روشن است و حقیقت این نور را فقط خاصان خدا می شناسند و این نور را نور مطلق می گردانند که این فقط صفت حق است لا غیر.

و در رساله "اعتقادیه" خدا شناسی را بر بنده واجب می گرداند که شناختن پروردگار اساس دین است و موجب ایمان و عرفان است. و در رساله "ذکریه" راجع به توحید این طور رطب اللسان است که "توحید آفتاب عالم بقا است، توحید شگوفه بستان تقوی است، توحید قطب دایره ی کون و مکانست، توحید مراد زمین و آسمان است، توحید جهان و جهانیان است.----- توحید آرام دل محبان است، توحید جهان مشتاقان است، توحید مرهم ریش عاشقان است، توحید نقد صادقانست، توحید مهدی راه سالکانست، توحید نور جبین عارفان است". (۵)

پس شاه همدان انسان را توصیه می کند که در این بحر وحدت گم بشود تا دوباره خودش را باز نیابد و دیگر این که انسان را باید که ذکر لا اله الا الله را ادامه دارد، برای این که همه راز کاینات در این ذکر پوشیده هستند. از روی حدیث رسول خدا این ذکر را بسیار ثواب دارد ولی برای ذکر پارسایی شرط است. چنان که در "رساله ذکریه" می گوید که؛ "دیگر زبان را از دراغ و غیبت نگاه دارد تا لایق آن شود که مجرای ذکر حق گردد که هر زبان که بجنایت کذب و غیبت ملوث شد هرگز حقیقت ذکر به آن زبان جاری نشود الا ذکر حروف علی الغفلة". (۶)

در رساله "مشکل حل" هم بیان مشکلات عرفان و معرفت خداوندی ذکر نموده است که "معرفت سه درجه دارد، درجه ادنی معرفت این است که او را خدایی است بر چه خواست کرد و بر چه خواهد کند". (۷)

و در ”رساله ی سوالات“ مرقوم است وقتی کہ پرسیده شده بود کہ از روی حدیث قدسی خدای متعال از کہ مخفی بود؟ جواب داد، او در پردہ های صفات و تعینات خود مخفی بود. شاه ہمدان بر نظریہ وحدت الوجود ہم بحث نموده است و اشعار ہم آورده است یعنی فاعل حقیقی در عالم هستی فقط خدای متعال است و مادر ہر ذرہ ی کاینات جلوبئی او را مشاهده کنیم ہر شیی تابع فرمان اوست حتی کہ در عالم هستی کسی دیگر بہ جز اونیست. چنان کہ در رسالہ ”وجودیہ“ بیان می نماید کہ؛

”نزد اہل کشف و شہود وجود مطلق یکی بیش نیست و آن وجود حق است و وجود جمیع موجودات بدان حضرت منتهی می شود و آن حضرت منتہای ہمت ہمہ اوست و این وجود را در عالمی از شؤن مختلف ظہوری است.“ (۸)

حالا چند اشعار بہ مناسبت این موضوع خدا شناسی نگاہ بکنید:

اگر فانی شوی در بحر توحید

عیان بیٹی کہ آنجا کیف و کم نیست (غزل ۶)

ہر کہ او در کوی وحدت جان خود را ساخت ذوق

رایت عز و شرف را تاثیرا می کشد (غزل ۹)

سابقہی فضل او مظہر نوح و خلیل

صاعقہ ی مهر او مہلک عاد و ثمود (غزل ۸۱)

ای گرفتار عشقت فارغ از مال و منال

والہان حضرتت را از خود و جنت ملال (غزل ۵۲)

جان و تن بندست و کفر و دین حجاب اندر رہش

جملہ را برہم زن و با عشق ہم آواز شو (غزل ۱۳)

قطرہ بہ دریا شدہ مطلق بیجا شدہ

بحر محیط قدم قید شدہ در حدود (غزل ۸۱)

روزگاریست که هم طالب و هم مطلوب
طرفه حالست که هم دردم و هم در مانم (غزل ۷۲)

به مناسبت این موضوع رباعی ابوالسعید ابی الخیر را نگاه بکنید؛

گفتم که کرای تو بدین زیبایی
گفته خود را که من خودم یکتایی
هم عشقم و هم عاشق و هم معشوقم
هم آینه هم جمال و هم بینایی (۹)

دکتر ظهور الدین می نویسد که "میر سید علی همدانی در بخش آخر "رساله همدانیه" گفته است که علم حقیقی آن است که انسان همه ی وسوسه ها و تأثیرات خارجی را از بین برد و را در معرفت خدا وندی چنان غرق و محو سازد که در هستی مطلق فنا شود و زبان و چشم و گوش خدا خود شود، حق بگوید و حق ببند و حق شنود، آنگاه می تواند ادعای علمیت کند." (۱۰)

دکتر ایم ایس ناز در "تصویر کشمیر" می نویسد که؛ "میر علی همدانی نشان دین حق است این آن هستی بزرگ است که در کشمیر قنبدیل عقیده توحید را روشن کرد پس آن "مثل علی" امیر کبیر سید علی همدانی است." (۱۱)

شاه همدان که از دوازده سالگی راه علم و عرفان را اختیار نموده و تا دم اجل خویش در نشر معارف اسلامی و برای هدایت سالکان راه سلوک گزرانیده است. مقصد تالیفات شاه همدان هم تبلیغ اقدار اخلاقی و تشخیص امراض نفسانی و بعداً علاج آن است.

چنان که در "رساله ی درویش" می گوید که؛

"ای عزیز بدان که حق جل و علا آدمی را از دو جوهر مختلف آفریده است، جوهری لطیف نورانی که آن را روح خوانند و جوهری کثیف ظلمانی که آن را جسم گویند و هر جوهری را ازین دو جوهر غذایی و صحتی و مرضی است و هر مرضی را دوائی خاص است، چنان که غذایی بدن نان و آب است، غذایی دل و روح ذکر و معرفت حق است." (۱۲)

شاه ہمدان یک صوفی با صفا و عارضی پاک بین و پاک باز بود و ریاضت و مجاہدہی نفس خاصہ او بود برای سالکان این راہ طریقت ”رسالہ دہ قاعدہ“ را تالیف کرد۔ دودین وسیلہ سالک ہستی خودش را بہ نور ربانی منور می توان ساخت۔ وی ”رسالہ اصطلاحات صوفیہ“، ”رسالہ سیرو سلوک“، ”رسالہ مشیت“ و ”چہل مقام صوفیہ“ را برای رہنمایی سالکان نوشتہ شدہ است۔ ہمین طور ”در رسالہ ذکر یہ“ آداب و مراسم مخصوص در راہ تصوف را بیان نمودہ است۔ شاه ہمدان ارادت و اخلاص را برای سالک لازم می گرداند و درین راہ معرفت عجلت پسندی و ناشکیبای سزاوار سالک نیست، بلکہ ثابت قدمی، خلوص نیت و حرکت و عمل را تو صیہ می نماید۔ و نیاید در این راہ نومید باشد بلکہ یقین کامل داشتہ باشد تا بہ منزل خودش برسد۔ ولی این ہمہ مجاہدات و ریاضات نفس بدون لطف خدای متعال حاصل نمی شود۔

ہمین طور ”مرادات دیوان حافظ“ بہتر ین دلیل علم و عرفان شاه ہمدان است۔ بہ نزد او معالجان بیماری دل و روح ہمین اولیاء اللہ اند۔ ہمین طور کہ در ”رسالہ ئ درویشیہ“ می گوید کہ ”اینجا بدانی کہ طالب حق را از صحبت پیری راہ دیدہ و منازل شریعت و طریقت بریدہ و ذوق اسرار حقیقت چشیدہ ناگزیر است زیرا کہ آدب خدمت پادشاہان جز مقربان پادشاہ ناندند و بر دقایق اسرار راہ قرب حضرت صمدیت جز روندگان راہ اطلاع نیابند۔“ (۱۳)

یعنی بر راہ طریقت رفتن بدون مرشد کامل ممکن نیست۔ علامہ محمد اقبال ہم راجع بہ این موضوع می سراید کہ؛

یکی بہ دامن مردان آشنا آویز

زیار اگر نگہ مجرمانہ می خواهی (۱۴)

دانشور بزرگ دکتور ظہور الدین احمد می نویسد کہ؛

”سید علی ہمدانی نخست صوفی و عارف است و سپس شاعر“ (۱۵) وی در ”چہل اسرار“ غزل های عرفانی سرودہ است، از حیثیت پیرو مرشد برای مردان خودش مسایل تصوف را بیان نمودہ است۔ بنا بر این در آنها خلوص و تاثیر بسیاری زیادی دیدہ می شود۔

بہ طور نمونہ درج ذیل اشعار را ملاحظہ کنید کہ خالصتاً بر این موضوع نوشتہ شدہ اند۔

عارفان سر از که و صحرا شنوند
رمز پر شور و شتاب از کف دریا شنوند (غزل ۵۱)
عاشقان عکس رخت در همه اشیاء ببیند
سر سودای تو در سینه هویدا ببیند (غزل ۶۱)
تو کان گوهر کافی و کان گوهر نونی
چه کاف و نون که هم از کاف و نون تو افزونی (غزل ۹۳)

در ادبیات فارسی کتاب های گران مایه بر اخلاقیات نوشته شده اند. و دکتر عبد الرحمن بدوی این طور می نویسد که؛

”اخلاقی اسلامی که در ادبیات تاریخی اسلام به غُباد، زهاد و نساک شناخته می شد، در اواخر قرن سوم هجری دچار تحول شده بود و عنوان تصوف اسلامی به خود گرفت، این تحول باشی از تاثیر و تأثر فرهنگهای عرفانی ملل، مخصوصاً در زمینه مباحث معرفتی بود.“ (۱۶)

این حقیقت است که آن روز تا اکنون بی شمار کتاب های بر علم اخلاق نوشته شده اند، شاه همدان در آثار خودش بر اخلاق درویشانه هم ذکر فرموده است - بالخصوص در ”ذخیره الملوك“ و در ”رساله درویشیه“ و در ”رساله بهرامشاهی“ نقطه های دقیق بر علم اخلاق بیان نموده است مثلاً راجع به اکل حلال به مریدان خود را توصیه می نماید که کسی یا هنری را یاد بگیرد تا اکل حلال میسر شود برای این که اساس عرفان و ایمان بر کسب معاش است دیگر این هم در حدیث آمده است ؛ ”الكا سب حبيب الله“ - وهم انبياء اكرام، ائمه طاهرین و اولیاء اكرام به پیروان خود شان را برای اکل حلال توصیه می نمایند.

تقریباً در همه جهان عالم هیچ مذهب منافقت را نمی پسندد و بر آن اعمال که مبنی بر ریا کاری و منافقت باشند سخت تنقید می نماید که این همه بدون صدق و صفا بی کار و بی حاصل هست فقط آن اعمال که بر خلوص و تقوی و صدق و صفا استوار باشند، قابل قبول می باشند. در باره این موضوع سید علی همدانی در رساله ”درویشیه“ می نویسد که؛

”ای عزیز صفای احوال مسلمانی از خبایث اوصاف انسانی دور است و دعوی اسلام با افعال کریهه و اخلاق ردیہ غرور است تا آیینہ دل از ادناس اوصاف بشری پاک نگرده، انوار ایمان و اسلام با دل الفت نگیرد۔ و ہرکہ افعال و اعمال او مقرون باخلاص نیست او را از امراض رذایل نفسانی خلاص نبود۔“ (۱۷)

در نظر علی ہمدانی قدر ہستی را فقط عارفان می شناسند کہ این دنیا؟ بازار تجارت طالبان حق“ است۔ ہر کسی کہ در این جہان کسب نکرده آنجا چیزی نخواہد یافت، بلکہ یکسر محروم باشد۔ پس اعمال نیک بکنید تا آنجا اجر نیک یابید۔ حدیث نبویؐ ہم است؛ الدنیا مزرعۃ الآخرة“

شاه ہمدان ”رسالہ عقبات یا قدوسیہ“ بہ التماس پادشاہ کشمیر سلطان قطب الدین نوشتہ شدہ است، در این رسالہ پند و موعظت دلنشین بہ او دادہ است۔ عقبات در نظر، امیر ہمدانی چہار است بخل و کبر و ستم و ریاستی۔ پس پادشاہ را باید ازین ہا حذر بکند۔ و در ”رسالہ نسبت خرقہی درویشی“ ہم بہ خضر شاہ حاکم را توصیہ می نماید کہ ”وصیت می کنم ترا بہ ملاطفت باضعفاء و مساعدت با مسکینان و زیر دستان، برحمت با یتیمان، بہ شفقت با مسکینان، بہ مروت با درویشان، بہ حمیت در دین، بہ قناعت در دنیا، در نظر بہ غیرت، در سکوت بفکرت، در سخن و حرکت بصیانت، در عہد بہ وفا، بہ اہل اللہ بمودت، در نعمت بشاکر بودن، در بلا صابر و در خیر سابق.....“ (۱۸)

بنا برین شاعر مشرق علامہ محمد اقبال در بارہ آن جناب فرمودہ است؛

مرشد نگاہان بودہ بی

محرم اسرار شاہان بودہ بی (۱۹)

ہمین طور ”رسالہ بہرامشاہیہ“ بہ التماس سلطان محمد بہرامشاہ حاکم بدخشان نوشتہ بود۔ و در آن گران مایہ پندو اندر زہ کردہ است۔ در کتاب ذخیرہ الملوک ہم دربارہء حقوق رعیت بر بادشاہ و حقوق پادشاہ بہ رعیت بیان نمودہ است۔ راجع بہ این کتاب دکتور ظہور الدین احمد می فرماید کہ؛

”نویسندهی کتاب در بارہی ہر موضوعی از طریق مختلف و جنبہ ہای گوناگون گفتگو و مطالب را بہ خوبی تجزیہ و تحلیل می کند۔ در ضمن حقوق و وظایف، حقوق زن و شوہر، خادم و مالک، اولاد و احباب، رعیت و پادشاہ را با کمال دقت برسی و تجزیہ و تحلیل کردہ است در جایی انواع منکرات را بیان کردہ و جای دیگر ہشت حالت شکر و سپاس را توضیح دادہ است۔“ (۲۰)

شاه همدان همین افکار عالی غزل های خودشان هم بیان فرموده است.

اساس خود چو بدانی تکبری بگذار

ز کارخانه ئ عزت یقین ثمر یابی (غزل ۳۴)

(رباعی ۱) عیب است بلند برکشیدن خود را و ز جمله ئ خلق برگزیدن خود را

از مردمک دیده ببايد آموخت دیدن همه کس و ندیدن خود را

فیض روح القدس اگر خواهی تو اندر سیر جان

مرکب حرص و هوا را در پی غولان مناز (غزل ۲۳)

در قرن یفتم سعدی شیرازی که بهتر بین یکی را معلم اخلاق است در بوستان و گلستان حرف های حکیمانه به پادشاهان وقت گفته است و پادشاهان را با رعیت خدا ترسی، عدل و انصاف سیرت نیک و غیر را پیام داده است. خصوصاً در گلستان "در سیرت پادشاهان" بعد از داستان می گوید؛

پادشاهی کو روا دارد ستم بر زیر دست دوستدارش روز سختی دشمن زور آور ست

با رعیت صلح کن و ز جنگ خصم ایمن نشین زان که شاهنشاه عادل را رعیت لشکر

است (۲۱)

بسیار شاعران فارسی در مدح سرکار دو جهان حضرت محمدمصطفی ﷺ شعر سروده اند. و احساسات خود شان را ابر از نموده اند. عطار، مولوی، ناصر خسرو، سعدی و حافظ بالخصوص عبد الرحمن جامی که در بارگاه ختمی المرتبت در نظم و نثر گلهای عقیدت را فشانده است این همه ادباء و شعرا نه فقط مدح سرایی نموده بلکه از راه معرفت مقام پیغمبر خدا را تعیین نموده است حقیقت این است که بر کسی در شان حبیب خدا دُر های گران مایه سُفته است و خواهد سفت.

در آثار شاه همدان بسیار ذکر رسول ﷺ به چشم می خورد مثلاً در "رساله اسناد حلیه حضرت

رسول ﷺ" اگرچه این رساله فقط برد و برگ مشتمل است ولی عقیدت به حضرت پیغمبر ﷺ به این درجه است

که می نویسد که همه را باید این حلیه را یاد بگیرد، برای این که این از مصایب زندگی نجات می دهد.

در آغاز ہر رسالہ بعد از حمد باری تعالیٰ بر ذات رسول اکرم ﷺ درود و سلام می فرستند مثلاً در رسالہ ”ذکر یہ“ صلوات بسیار و درود بی شمار بر روح مقدس و کالبد مظهر سید کائنات و سرور موجودات سید انبیاء و سلطان اصفیاء محمد مصطفیٰ ثمرہ شجرہ وجود و دریای کرم وجود است۔“ (۲۲)

و در رسالہ ”درویشیہ“ وجود سرکار دو جہان ”رحمت جہان و جہانیان“ می گوید و در ”رسالہ فتو تیبہ“ آفتاب فلک فتوت و قافلہ سالار اصفیاء ذکر نموده است۔ در ”رسالہ سوالات“ حضرت محمد ﷺ باوجود مقدم بودن بر آدم و انبیای دیگر ”چرا آخر از ہمہ تشریف آور ند۔“ امیر ہمدانی جواب علمی داد کہ ”آدم بدایت کمال و خاتم نہایت کمال است و بدایت مقدم بر نہایت است و دیگر آن کہ محمد ﷺ مظهر ذات حق است و آدم مظهر صفات او تعالیٰ و انبیای دیگر ہم در وسط قرار دارند پس ظهور محمد ﷺ بتاخیر بنا بر کمالات نہایی آن سرور کائنات است۔“ (۲۳)

امیر علی ہمدانی بہ حضرت علی مرتضیٰ عقیدت خاصی داشتہ بود۔ او ایشان را ”سلطان الا ولیاء ، امام الاتقیاء ، منبع الفتوہ و معدن المروہ“ می گرداند۔ در نظر وی حضرت پیغمبر اکرم ﷺ خلعت طریقت و فتوت را بہ حضرت علی مخصوص گردانیدہ است۔ چنان کہ می گوید؛

ہم ولی را ولی تواند دید

مصطفیٰ ﷺ را علی تواند دید (۲۴)

دیگر این کہ وی برای شرح فتوت اقوال حضرت علی مرتضیٰ را بیان نموده است مثلاً ”ارکان فتوت چہار چیز است: عفو کردن با توانائی و برد باری در وقت خشم و نیک اندیشی با دشمنی و ایثار کردن با وجود احتیاج بہ موثر بہ۔“ (۲۵)

علاوہ ازین ”السبعین فی فضائل امیر المومنین“ (عربی) یکی از بلند ترین رسالہ امیر ہمدانی است کہ در ستایش علی مرتضیٰ احادیث نبوی را رقم کرده است و این نشان علم و عرفان شاه ہمدان است۔ امیر علی ہمدانی نہ فقط علی ابن ابی طالب را ذکر نموده است بلکہ راجع بہ فضائل چہارده معصومین را کہ اہل العبا می گویند، ہم ستایش نموده است و مودت القربیٰ را بہ وسیلہ آیات قرآنی و احادیث نبوی ﷺ روشن ساختہ است۔ اساس این آیہ قرآنی است؛ قل لا اسئلكم علیہ اجرا الا لامودہ فی القربیٰ۔“ (۲۶) این رسالہ ”المودہ فی القربیٰ و اہل العبا“ بہ زبان عربی است، و این رسالہ بہ زبان فارسی و اردو ترجمہ شدہ است۔ یکی دیگر رسالہ ”اربعین فی فضائل امیر المومنین علی (ع) و اہل بیت رسول (ص)“ ہم بہ همین موضوع نوشتہ شدہ است۔ حالاً بہ همین مناسبت اشعار شاه ہمدان را ملاحظہ کنید:

پرسید عزیزی که علی اهل کجایی
گفتم بولایت علی، کز همدانم
نی همدانم که نداند علی را
من زان همدانم که علی را دانم (رباعی ۴)

و دیگر؛

گر بدر منیری و سما منزل تو
و ز کوثر اگر سرشته باشد گل تو
گر مهر علی نباشد اندر دل تو
مسکین تو و سپهای بی حاصل
تو (رباعی ۷)

یکی دیگر؛

گر مهر علی و آل بتولت نبود
امید شفاعت ز رسولت نبود
گر طاعت حق جمله بر آوردی تو
بی مهر علی هیچ قبولت نبود
(رباعی ۳)

شاه همدان در آثار خودش نه فقط محمد و آل محمد را ذکر نموده است بلکه تذکره همه اصحاب رسول خدا ﷺ که بهترین نمونه برای مردمان اسلام هستند، به چشم می خورد. دیگر این که آنان صوفیان و درویشان و فقیران که زهد و ریاضت را انتخاب کرده اند و راه سلوک را به وسیله اخلاص طی نموده و خلعت قرب الهی را پوشیده اند، ذکر کرده است. و مقامات و احوال صوفی را تذکره داده است، و واقعات بسیار جالب و دلنشین رقم کرده است. امیر علی همدانی نوق شعر هم داشته بود بلخصوص، شعر عرفانی را دوست داشت، لذا برای توضیح و شرح افکار عالی خودش اشعار شاعران دیگر را مثلاً ابن فارض مصری، امام فخر الدین رازی، ابوالقاسم فردوسی، عنصری بلخی، نظامی گنجوی (مخزن الاسرار)، ظفر همدانی، سنایی، غزنوی، عطار نیشاپوری، جلال الدین رومی، سعدی شیرازی، عراقی، حافظ شیرازی و غیره، تحریر کرده است.

اگرچه دکتر ظهیر الدین احمد بعضی مسایل را نشان دهی کرده است که سید امیر علی همدانی در کتاب ذخیره الملوك بیان نموده است، ذکر آن در قرآن مجید و احادیث به چشم نمی خورد ولی، در نظر آقای استاد محترم:

”در فضیلت علمی مصنف هیچ گونه شک و شبه ای وجود ندارد، و درباره ء دهد او باید گفت که حتی دشمن هم نمی تواند منکر باشد.“ (۲۷)

در آخر این مقاله اشعار علامه اقبال را به طور تبرکاً نوشته می شوند، ملاحظه بکنید؛

سید السادات، سالار عجم
دست او معمارِ تقدیر امم

تا غزالی درس الله هو گرفت ذکر و فکر از دودمان او گرفت

یک نگاه او کشاید صد گره

خیز و تیرش را به دل رابی بده (۲۸)

منابع و مأخذ

###- ضیا الدین سجادی، دکتر، مقدمه ای بر منانی عرفان و تصوف، پیشگفتار

###- همان، ص ۸

###- عطار، فریدالدین، تذکرة الای و لیا، ص ۱۹۲

###- ریاض، محمد، احوال و آثار و اشعار میر سید علی ہمدانی، ص ۱۵۴

###- احوال و آثار و اشعار میر سید علی ہمدانی، رساله ذکریه، ص ۵۳۵

###- همان، ص ۵۴۱

###- احوال و آثار و اشعار میر سید علی ہمدانی، ص ۱۵۱

###- همان، ص ۱۲۶

###- ظهور الدین احمد، ایرانی ادب، ص ۶۲

###- ظهور الدین احمد، تاریخ ادب فارسی در پاکستان، ص ۳۱۵

- ##- ایم ایس ناز، دکتر، تصویر کشمیر، ص ۲۹۴
- ##- احوال و آثار و اشعار میر سید علی همدانی، رساله درویشیه، ص ۴۹۰
- ##- همان، ص ۲۹۴
- ##- اقبال، محمد، زبور عجم، ص ۶۵
- ##- تاریخ ادب فارسی در پاکستان، ۳۱۳
- ##- عبد الرحمن، بدوی، دکتر، تاریخ تصوف اسلامی، ص ۱۳
- ##- احوال و آثار و اشعار میر سید علی همدانی، رساله درویشیه، ص ۴۹۴
- ##- احوال و آثار و اشعار میر سید علی همدانی، ص ۱۵۵
- ##- کلیات اقبال، ص ۳۶۱
- ##- تاریخ ادب فارسی در پاکستان، ص ۳۰۰
- ##- دامنی از گل گزیده گلستان سعدی، ص ۴۳
- ##- احوال و آثار و اشعار میر سید علی همدانی، رساله ذکریه، ص ۵۱۸
- ##- احوال و آثار و اشعار میر سید علی همدانی، ص ۱۷۴
- ##- نورالدین جعفر، بدخشی (بتصحیح) اشرف ظفر، سید، دکتر، خلاصه المناقب، ص ۲۱۴
- ##- همان، رساله فتوتیه، ص ۳۹۴
- ##- القر آن، سورة الشوری، آیت ۲۳
- ##- تاریخ ادب فارسی در پاکستان، ص ۳۰۱
- ##- جاوید نامه، ص ۹-۱۵۸
- کتاب شناسی:

- ###- اعجاز الحق قدوسی، تذکرہ صوفیای پنجاب، لاہور، ۱۹۲۶م
- ###- ایم ایس ناز، ڈاکٹر، مقبول اکیڈمی لاہور، ۱۹۹۵ء
- ###- اقبال، محمد، کلیات اقبال، چاپ تہران
- ###- اقبال، محمد، جاوید نامہ، شیخ غلام علی اینڈ سنز لاہور، طبع یازدہم، ۱۹۸۶م
- ###- ضیال الدین سجادی، دکتور، مقدمہ ای بر مبانی عرفان و تصوف، سازمان مطالعہ و تدوین کتب علوم اسلامی دا نش گاہ ہا (سمت) قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۵ھش
- ###- ظہور الدین احمد، دکتور، تاریخ ادب فارسی در پاکستان، شاہد چوہدری (مترجم) پڑوہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی تہران، ۱۳۸۵ھش
- ###- ظہور الدین احمد، دکتور، ایرانی ادب، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان اسلام آباد، ۱۳۷۵ھش
- ###- ظہیر احمد صدیقی، ڈاکٹر، تصوص اور تصورات صوفیہ، سیٹھی بک لاہور، چاپ دوم، ۲۰۱۰ء
- ###- عبدالرحمن بدوی، تاریخ تصوف اسلامی، محمد رضا افتخار زادہ (مترجم)، دفتر نشر معارف اسلامی قم، ایران، چاپ اول، ۱۳۷۵
- ###- عبدالحسین زرین کوب، جستجو در تصوف ایران، مؤسسہ انتشارات امیر کبیر تہران، ۱۳۷۵ھش
- ###- غلام حسین، یوسفی، دکتور، (انتخاب و توضیح) دامنی از گل گزیدہ گلستان سعدی، چاپ ششم، پائیز ۱۳۷۴ھش
- ###- محمد اعظم، خواجہ واقعات کشمیر، لاہور، ۱۳۰۳ق
- ###- محمد ریاض، دکتور، احوال و آثار و اشعار و سید علی ہمدانی، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان اسلام آباد، چاپ دوم، ۱۹۹۱م
- ###- نورالدین جعفر، بدخشی (بتصحیح) اشرف ظفر، سید، دکتور، خلاصتہ المناقب، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، ۱۹۹۵م